

تاکتیک‌های ایران و آمریکا در دوره کنونی



کوروش احمدی

دبیلمات‌پیشین

در حدود یک هفته گذشته شاهد دور جدیدی از تجاوزات آمریکا به اهدافی در جنوب کشور بوده‌ایم که اگرچه ابعادی محدودتر داشته، اما بی‌شباهت به تجاوزات مشابهی نیست که در اواخر تیرماه توسط آمریکا انجام شد. ایران نیز در هر دو بار در تلاش برای متوقف‌کردن این تجاوزات، دست به اقداماتی ازجمله حمله به پایگاه‌های آمریکا در برخی از کشورهای منطقه زده است. به نظر می‌رسد این دو دور جنگ محدود را می‌توان به‌طور مشخص جنگ‌هایی بر سر کنترل تنگه هرمز به شمار آورد. شواهدی وجود دارد حاکی از اینکه آمریکا از طریق این جنگ‌ها در پی کاهش توانایی ایران برای بسته نگه‌داشتن تنگه است.

بازکردن یا بسته نگه‌داشتن تنگه در این مقطع زمانی به یک مسئله عمده و تا حدی حیثیتی برای دو کشور تبدیل شده است. در شرایطی که تا قبل از تجاوزات آمریکا و اسرائیل به ایران در ۹ اسفند، مشکلی در این رابطه وجود نداشت، جنگ به‌جای اینکه مشکلی را حل کند، مشکل بزرگ دیگری را با ابعاد مهم منطقه‌ای و بین‌المللی ایجاد کرد. با این تحول مهم، در شش ماه گذشته مسئله غنی‌سازی و موجودی مواد غنی‌شده که تجاوز به بهانه آنها شروع شد، عملا به حاشیه رفته و وضعیت تنگه هرمز به نشانه‌ای برای میزان موفقیت دولت ترامپ در جنگ تبدیل شده است.

آمریکا در پی بسته‌شدن مجدد تنگه هرمز از اواسط تیر به این سو تمرکز خود را بر بازکردن آن گذاشته است. از یک سو، شواهدی وجود دارد که گویا تنگه‌ای به اسم فک‌الاسد در آب‌های داخلی عمان و در فاصله می بین جزیره مسندم و شبه‌جزیره مسندم در سواحل عمان به‌عنوان معبر جدید در نظر گرفته شده است. این تنگه در حدود هشت‌مایلی جنوب جزیره مومار (کوش بزرگ)، یعنی شمالی‌ترین جزیره عمانی واقع است. مطابق یک چارت قدیمی درياداری انگلیس، عرض تنگه فک‌الاسد حدود ۵۵۵ متر و عمق آن ۴۴ متر است. قبل از ۱۹۷۹ که خطوط تفکیک ترافیک دریایی (TSS) بسیار به عمان نزدیک‌تر بود، ظاهرا تردد از فک‌الاسد انجام می‌شد که چون برای عمان بسیار دردسر، آلودگی و... داشته، TSS به درخواست عمان به جنوب خط منصف و تقریبا در جنوب و مماس با خط منصف تنگه هرمز عمان منتقل می‌شود. این همان TSS است که تا ۹ اسفند ۱۴۰۴ یعنی روز تجاوز آمریکا و اسرائیل به ایران برقرار بود. ظاهرا از ماه می آمریکایی‌ها با کمک عمانی‌ها و هماهنگی با بقیه کشورهای منطقه این مسیر فک‌الاسد را دوباره راه انداخته‌اند که چون گویا در آن کشتی‌ها با فاصله زیاد در آب‌های داخلی عمان و در پناه رأس مسندم و نیز در شب‌ها و در تاریکی و با ترانسپوندر خاموش تردد می‌کنند، ادعا شده که این ترده‌ها می‌تواند از دید ایران مخفی بماند. در این رابطه، فرض بر این است که در جریان جنگ ۱۳ روزه آمریکا توانسته با هدف قراردادن بخشی از امکانات پایشی و نظارتی و راداری ایران در سواحل جنوب، کار ردگیری و هدف‌گیری کشتی‌ها در معبر جدید را دشوار کند. اگر ابعاد تنگه فک‌الاسد هنوز همان باشد که در چارت انگلیسی آمده، سویرنفتکش‌ها هم می‌توانند از آن عبور کنند. اما چون این سویرنفتکش‌ها بسیار کند هستند و هدف‌گیری آنها راحت‌تر است، گفته می‌شود که نفت با تانکرهای کوچک‌تر به آن سوی تنگه منتقل و به سویرنفتکش‌ها منتقل می‌شود.

ادعای مقامات آمریکایی طی چند ماه گذشته مبنی بر انتقال مقادیر درخورتوجهی نفت از این مسیر تحول مهمی است. اگر بهای نفت را شاخص بدانیم، یکی از دلایل کنترل بهای نفت (حدودا ۸۸ دلاری در دوره قبل از برخورد‌های نظامی اخیر و حدودا نفت ۹۶ دلاری بعد از آن) می‌تواند همین انتقال نفت از تنگه هرمز باشد. البته دلایل دیگری نیز مانند صرفه‌جویی به‌ویژه توسط چین، افزایش تولید در مناطق دیگر و روند تغییر نقشه انرژی جهانی در کنترل بهای نفت مؤثر بوده‌اند.

اگر سیاست آمریکایی مبنی بر سه پایه یعنی صدور نفت از تنگه، ادامه محاصره دریایی و حملات نظامی دور‌ای برای حفظ این دو قابلیت باشد، شرایط برای ایران ممکن است با گذشت زمان دشوارتر شود. در چنین صورتی، سؤال این است که این معادله چگونه می‌تواند به هم رده شود؟ در این رابطه، برخی از ضرورت انجام اقدامات تهاجمی از سوی ایران برای شکستن محاصره دریایی و جلوگیری از انتقال نفت از تنگه هرمز سخن می‌گویند. شلیک موشک‌های بالستیک علیه ناوهای آمریکایی و واکنش‌های آمریکا به شکل حمله به سه نفتکش ایرانی می‌تواند در این رابطه بوده باشد.

سه‌شنبه ۱۷ شهریور ۱۴۰۵
 ۲۶ ربیع‌الاول ۱۴۴۸
۸ سپتامبر ۲۰۲۶
سال بیست‌وسوم
شماره ۵۴۶۹
۴۰ هزار تومان
۸ صفحه

روزنامه

در «شرق» امروز می‌خوانید:

سپر دفاعی آشیل؛ تشدید رقابت با ترکیه یا نگرانی از ایران • وداع با نویسندهٔ قصه‌های روشن • زلنسکی: جنگ ادامه می‌یابد • قیمت بنزین در خاورمیانه چند؟

شرق هزینه و فایده رایگان کردن حمل و نقل عمومی و نقش آن در کاهش مصرف سوخت را بررسی می‌کند؛

نسخه ناتراز بنزین



این گزارش را در صفحه ۵ بخوانید

گزارش «شرق» از تأخیر در تأمین و توزیع واکسن آنفلوانزا و نگرانی بیماران و گروه‌های آسیب‌پذیر

چشم‌انتظار واکسن آنفلوانزا

یادداشت

خیابان امن، زن و مرد نمی‌شناسد



نفیسه‌زارع‌کهن

دکترای علوم ارتباطات

بیش از هفت ماه از مصوبه دولت درباره فراهم‌کردن امکان صدور گواهینامه موتورسیکلت برای زنان گذشته است. شاید اکنون زمان آن باشد که به‌جای تکرار بحث‌های همیشگی، از زاویه‌ای ساده‌تر به موضوع نگاه کنیم: آیا حضور یک فرد آموزش‌دیده و دارای گواهینامه در خیابان ایمن‌تر است یا حضور فردی که امکان آموزش رسمی و دریافت مجوز از او گرفته شده است؟ پاسخ این پرسش چندان دشوار نیست. گواهینامه، مجوز خطرکردن نیست؛ در بخشی از بحث‌های عمومی، صدور گواهینامه برای زنان چنان روایت می‌شود که گویی قرار است از فردا گروهی تازه و بدون هیچ ضابطه‌ای وارد خیابان شوند. درحالی‌که معنای گواهینامه دقیقا عکس این تصویر است. گواهینامه اجازه یی‌قیدوشرط برای رانندگی نیست؛ سند احراز صلاحیت است. فرد باید آموزش ببیند، مقررات را یاد بگیرد، در آزمون شرکت کند و توانایی خود را در کنترل وسیله نقلیه نشان دهد. پس گواهینامه نه جایزه است و نه امتیازی

یادداشت

وقتی کیک اقتصاد کوچک می‌شود



حسین حقگو

کارشناس اقتصادی

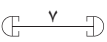
و دفترباران و وکلا برگزار کنند و کسانی که حداقل ۷۰ درصد امتیاز میانگین نمرات یک درصد خازنان بالاترین امتیاز را کسب کنند، می‌توانند پس از طی مراحل گزینشی، وارد این حرفه‌ها شوند. تصویب این قانون البته به‌سادگی انجام نشد و در همان زمان طرح، بحث و جدل‌های بسیاری بین موافقان و مخالفان درگرفت. چنان‌که موافقان، این قانون را سبب کاهش موانع اداری، صرفه‌جویی هزینه‌ها برای مردم و تسریع معاملات و... عنوان می‌کردند و مخالفان، با اشاره به حساسیت بالای امنیت معاملات و ثبت قرارداده‌ا و نیز ارزش و جایگاه نهاد وکالت به‌عنوان شغل و نه کسب‌وکار و... این قانون را سبب ایجاد رقابت‌های ناسالم به دلیل نبود تقاضای متناسب با این خدمات در جامعه و در نتیجه افزایش کلاهبرداری‌ها و فروش مال غیر تقاضای متناسب با این خدمات در جامعه و در نتیجه افزایش کلاهبرداری‌ها و فروش مال غیر و کاهش اعتبار معاملات و... می‌دانستند. ایراداتی که به نظر در سال‌های اجرای این قانون تا حدودی اثبات شده است، جالب آنکه هم‌زمان با تصویب همین قانون، انجام بعضی از اقدامات و صدور بعضی اسناد از حوزه وظایف دفاتر اسناد رسمی خارج و به سامانه‌های دولتی (روش‌های الکترونیکی) واگذار شده است. روندی که ضمن محدودیت بیشتر دایره فعالیت دفاتر و کاهش درآمدهای آنها، می‌تواند سبب خروج معاملات از چرخه تنظیم رسمی شده و احتمال جعل، تبانی و فروش مال غیر را افزایش داده و به تضعیف سند رسمی به‌عنوان مهم‌ترین رکن امنیت معاملات و تثبیت و تضمین مالکیت بینجامد. اصلی مبنایی که خدشه‌دارشدن آن هیچ توجهی را برنمی‌تابد و در صورت اثبات این ادعاها توسط مراجع رسمی است، بازبینی جریان صدور مجوزهای دفاتر اسناد رسمی و پروانه وکالت را که به امری مهم و اساسی برای حفاظت از دو اصل «تثبیت مالکیت» و «تأمین عدالت» می‌نماید که در قالب دو نهاد فوق متجلی می‌شوند. اما بازبینی و اصلاح قانون تسهیل نباید ما را از اصل مهم‌تری که تصویب چنین قانونی را ضروری کرد، بازدارد، و آن نیاز شدید اقتصاد ایران به کسب‌وکارهای جدید و نیز پاسخ‌گویی به خیل فارغ‌التحصیلان دانشگاهی است. واقع آنکه کیک اقتصاد ایران باید بزرگ شود؛ آن‌قدر که بتواند از پس پاسخ‌گویی به نیازهای گوناگون و متنوع رو به افزایش جامعه و ازجمله ایجاد شغل‌های با درآمدهای مکفی برآید. اقتصادی که در سال‌های اخیر تحت تأثیر جنگ، تحریم‌های بین‌المللی، نوسان متغیرهای کلان، بحران‌های اجتماعی و سیاسی و ابرچالش‌های محیط‌زیستی هر روز کوچک‌تر، ضعیف‌تر، نحیف‌تر و پیوندهای آن ازهم‌گسیخته‌تر شده است.

روایتی از آخرین دیدار و گفت‌وگو با جواد مجابی

از اقلیم عدم

کل تاریخ برهوت است

باید دوباره به اندیشیدن برگردیم



برگزیده‌ها

آغاز به کار نشست فصلی شورای حکام

عبورازوین

گروسی: بازگشت به مذاکرات در موضوع هسته‌ای ایران ضروری است؛ کار آژانس با ایران ادامه دارد

۲

«شرق» الگوی تکرار شونده شایعه، تکذیب و اعلام اخبار رسمی را در یک سال گذشته بررسی می‌کند

تقویم اطلاع‌رسانی معکوس

۲

چشم‌انداز پیجیده برلین و آینده احزاب سنتی با پیروزی «آلترناتیو برای آلمان»

آلمان ومعمای

۴۴درصد

۴

مدیرعامل شرکت فرودگاه‌ها و ناوبری هوایی ایران خبرداد؛

خسارت به

۲۷ فرودگاه در جنگ

۳

نگاه

هوش مصنوعی چگونه برای جامعه تصمیم می‌گیرد؟

یادداشتی از قادر باستانی تبریزی

۸

یادداشت

وقف بدون زنان

روایتی ناقص است



شهنازرامرام

وقف در ایران فقط روایت مسجد و مدرسه و موقوفه نیست؛ بخشی از تاریخ شکل‌گیری نهادهای عمومی و سرمایه اجتماعی ایرانیان است. با این حال، در روایت غالب از وقف، زنان اغلب در حاشیه‌اند؛ گویی بخشدگی، مدیریت و مسئولیت اجتماعی، تاریخی عمدتا مردانه داشته است. تاریخ اما روایت دیگری دارد.

نجم‌السلطنه* یکی از روشن‌ترین نمونه‌هاست؛ زنی که در آغاز قرن چهاردهم شمسی، با سرمایه شخصی خود بیمارستان نجمیه تهران را بنیان گذاشت و بخش مهمی از دارایی‌اش را برای اداره آن اختصاص داد. او حتی حق نظارت بر بیمارستان را به دخترانش سپرد؛ تصمیمی که در جامعه آن روز، فراتر از یک اقدام خیرخواهانه، نشانه‌ای از اعتماد به توان مدیریتی زنان بود. پیش از او نیز کوه‌رشاد و پریرزاد نام‌هایی ماندگار در تاریخ وقف و نهادهای فرهنگی ایران بودند. این زنان فقط «خیر» نبودند؛ بخشی از سرمایه اجتماعی زمانه خود را به ساختن نهادهایی اختصاص دادند که نسل‌های بعد از آن بهره‌برند. امروز نیز این مسیر ادامه دارد. حدود پنج هزار زن خیر در کشور فعالیت دارند و نام‌هایی مانند زهرا کیتی‌نژاد، فاطمه رستگارمقدم و فاطمه توتونچی تنها بخشی از این جامعه بزرگ‌اند. اما مسئله مهم‌تر از شمار خیرین زن، جایگاه آنها در نظام وقف است. آیا زنان فقط باید در مقام اهداکننده دیده شوند یا می‌توانند در سیاست‌گذاری، مدیریت و تعیین اولویت‌های موقوفات نیز نقش داشته باشند؟ هرچند واقف امروز می‌تواند مدرسه و بیمارستان بسازد، اما می‌تواند به پژوهش، فناوری، محیط زیست و بازسازی آثار تاریخی و میراث فرهنگی نیز گسترش پیدا کند. پرواضح است جامعه‌ای که زنانش سرمایه، دانش و تجربه دارند، نمی‌تواند نیمی از این ظرفیت را صرفا در حاشیه نگه دارد.

۴۳
ادامه‌در صفحه ۴

۴۳
ادامه‌در صفحه ۲